

عوامل مؤثر بر اشتغال‌زایی زنان در صنایع‌دستی روستایی در حوزه کشاورزی، مطالعه موردی استان آذربایجان غربی

چکیده

این پژوهش به منظور «تحلیل عوامل مؤثر بر اشتغال‌زایی زنان در بخش صنایع‌دستی روستایی در حوزه کشاورزی استان آذربایجان غربی» انجام گرفته‌است. در این تحقیق از روش پیمایش و تکنیک‌های پرسش‌نامه محقق‌ساخته و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده در بخش آمار توصیفی از محاسبات فراوانی، میانگین، و درصد و در بخش آمار استنباطی از روش همبستگی اسپیرمن استفاده شد. جامعه آماری در این تحقیق ۲۱۸۷۵ نفر از زنان شاغل در حوزه کشاورزی استان واقع در سنین بین ۱۵ الی ۶۵ سال می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران تعداد نمونه ۳۷۰ نفر از بین ۳۰ روستای منتخب در بین ۶ شهرستان استان و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب گردید. در مبانی نظری، یک مدل تحقیق با ترکیب نظریه‌های جامعه‌شناسی و اقتصادی (نئوکلاسیک و تقسیم بازار کار و نظریه‌های جنسیتی) ساخته شد. براساس این مدل عوامل مؤثر بر اشتغال بهینه زنان در بخش صنایع‌دستی حوزه کشاورزی استان آذربایجان غربی عبارت است از: عوامل فردی (روان‌شناختی)، عوامل فرهنگی و عوامل سازمانی که در پایان پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها کلیه فرضیه‌های پژوهش در سطح معناداری ۹۹ درصد پذیرفته شد. بنابراین، با تأیید فرضیه‌ها و تأیید مدل پژوهش، عوامل مؤثر بر اشتغال بهینه زنان در بخش صنایع‌دستی حوزه کشاورزی در منطقه مورد مطالعه عبارت‌اند از: عوامل فردی، فرهنگی و سازمانی که این عوامل موجب اشتغال بهینه زنان در بخش صنایع‌دستی حوزه کشاورزی و در نهایت توسعه پایدار روستایی خواهد شد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال‌زایی زنان در صنایع‌دستی حوزه کشاورزی.
۲. بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر اشتغال‌زایی زنان در صنایع‌دستی حوزه کشاورزی استان آذربایجان غربی.

سوالات پژوهش:

۱. چه عواملی بر اشتغال‌زایی زنان در صنایع‌دستی حوزه کشاورزی استان آذربایجان غربی مؤثر است؟
۲. عوامل مؤثر بر اشتغال‌زایی زنان چه تأثیری بر صنایع‌دستی حوزه کشاورزی استان آذربایجان غربی دارد؟

کلیدواژه‌ها: اشتغال‌زایی زنان، صنایع‌دستی روستایی، توسعه کشاورزی، توسعه پایدار روستایی.

مقدمه

به طور کلی، شرکت زنان در فعالیت اقتصادی از آغاز پیدایش بشر واقعیتی انکارناپذیر بوده است و زنان از دیرباز سهم عمده‌ای در تولید ملی داشته‌اند. علاوه بر این، امروزه این واقعیت نیز کم و بیش پذیرفته شده که در دوره کنونی چنانچه شرایط مناسبی برای کار زنان فراهم باشد، آنان می‌توانند فراتر از نقش‌های سنتی خود عمل کنند و با مشارکت در بازار کار موجب افزایش سطح تولید و درآمد سرانه ملی و در نتیجه افزایش رفاه اجتماعی کل جامعه شوند. براساس ساختار فرهنگی جامعه امروز ایران، به‌ویژه قوانین مربوط به کار و خانواده، همچنین سنت و عرف اجتماعی، مردان آور خانه تلقی می‌شود. بر همین اساس است که مشارکت زنان در برخی مناطق در بازار کار و فعالیت‌های اقتصادی به آن صورت ضروری به‌شمار نمی‌آید. به تعبیری دیگر، با این که زنان در مرکز توسعه اجتماعی اقتصادی به خصوص جوامع روستایی قرار دارند، اما نقش آنان در توسعه کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. از همه مهم‌تر این که برنامه‌ریزان توسعه محلی و روستایی به توانمندی زنان در همه ابعاد توسعه اعتقاد چندانی ندارند و بر همین اساس، پایین بودن توانمندسازی زنان به‌ویژه زنان روستایی، مشارکت آنان را در برنامه‌های توسعه از جمله بخش کشاورزی به عنوان بخش وسیعی از توسعه روستایی بسیار محدود کرده است. این درحالیست که زنان نزدیک به نیمی از جمعیت را به خود اختصاص می‌دهند و دور نگه داشتن آنان از توسعه در حقیقت به معنای چشم‌پوشی از نیمی از منابع انسانی در توسعه است. بنابراین، باید ضمن توجه به علل و موانع بهینه‌سازی اشتغال زنان در توسعه کشاورزی و زیرمجموعه‌های آن از جمله صنایع دستی مربوط به آن، به راه‌های پیشبرد فعالیت‌های زنان در این حوزه پرداخت. از این رو، سؤال اساسی در اینجا این است که عوامل مؤثر بر اشتغال‌زایی زنان در بخش صنایع دستی حوزه کشاورزی (در این پژوهش استان آذربایجان غربی) چیست؟

در استان آذربایجان غربی بخش کشاورزی به دلیل دارا بودن توانمندی‌های قابل توجه در منابع و عوامل تولید از جمله یک میلیون هکتار مساحت قابل کشت با قابلیت تولید محصولات زراعی و باغی گوناگون و زنبورداری و دامداری و توان فنی و نیروی انسانی تحصیل کرده از توان بالقوه و پتانسیل آبی و خاکی مناسبی برخوردار است؛ به طوری که امکان فعالیت در تمامی بخش‌های کشاورزی و حوزه‌های مرتبط با آن شامل زراعت، باغبانی، دام و طیور (و صنایع دستی مربوطه)، زنبورداری، پرورش آبزیان و کرم ابریشم در سرتاسر این استان وجود دارد. افزایش نسبت زنان شاغل به مردان شاغل در حوزه کشاورزی استان می‌تواند علاوه بر نوع کشت و نوع فعالیت کشاورزی مناسب در همه عرصه‌های آن، زنبورداری، دامداری و دامپروری و صنایع بافندگی و لبنی مربوط بدان و ...، برای زنان از عوامل دیگری هم تأثیر پذیرفته باشد؛ مانند فرهنگ حاکم در زمینه نگرش به مشارکت زنان که به دنبال تغییرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که در طول زمان اتفاق می‌افتد یا مهاجرت مردان به شهرها و جایگزین شدن زنان به جای آن‌ها و نیز افزایش میزان شهرنشینی و علاقه به سبک زندگی شهری و برتری هژمونی زندگی شهری در میان جوانان روستایی در کنار تغییر ماهیت روستاها همه این عوامل باعث به وجود آمدن تغییراتی در ساختار جنسی و سنی شاغلین در بخش صنایع دستی حوزه کشاورزی شده است. از این رو، این پژوهش بر آن است تا برای جلوگیری از روند کندشدن کار کشاورزی در استان و همچنین جلوگیری از پیری نیروی کار زنان در بخش کشاورزی به عوامل مؤثر بر اشتغال بهینه زنان در بخش صنایع دستی روستایی حوزه کشاورزی با توجه به پتانسیلی که در استان وجود دارد و نیز نیروی کار بالقوه زنان در این بخش بپردازد. پژوهش حول این سؤال شکل گرفته است که عوامل مؤثر بر اشتغال‌زایی زنان در بخش صنایع دستی حوزه کشاورزی استان آذربایجان غربی چیست؟

فرضیه‌های تحقیق عبارت‌اند از:

۱- بین میزان تحصیلات زنان شاغل در بخش صنایع‌دستی حوزه کشاورزی و فعالیت آنان در این حوزه در سطح استان رابطه وجود دارد. به این معنی که افزایش تحصیلات زنان موجب تقویت اشتغال آنان در این حوزه می‌شود.

۲- بین سن زنان شاغل در بخش صنایع‌دستی حوزه کشاورزی و فعالیت آنان در این حوزه در سطح استان رابطه وجود دارد. به این معنی که با بالا رفتن سن زنان از فعالیت آنان در این حوزه کاسته نمی‌شود.

۳- بین باورهای فرهنگی و سنت‌های حاکم بر محیط و اشتغال زنان در مصنوعات صنایع‌دستی در حوزه کشاورزی در سطح استان رابطه وجود دارد. به این معنی که هر قدر پایبندی به باورهای فرهنگی و سنن بیشتر باشد فعالیت نیز بیشتر می‌شود.

۴- بین تعداد فرزندان زنان شاغل در بخش صنایع‌دستی حوزه کشاورزی و فعالیت آنان در این حوزه در سطح استان رابطه وجود دارد. به این معنی که با افزایش تعداد فرزندان از فعالیت آنان کاسته نمی‌شود.

۵- بین وضعیت مجرد یا تأهل زنان شاغل در بخش صنایع‌دستی حوزه کشاورزی و فعالیت آنان در این حوزه در سطح استان رابطه وجود دارد. به این معنی که افزایش شمار متأهلین تأثیری بر کاهش فعالیت زنان در این حوزه ندارد.

۶- بین انگیزه‌های مادی و اقتصادی زنان شاغل در بخش صنایع‌دستی حوزه کشاورزی و فعالیت آنان در این حوزه در سطح استان رابطه وجود دارد. به این معنی که هر قدر پایبندی به انگیزه‌های مادی و اقتصادی بیشتر باشد فعالیت آنان نیز بیشتر می‌شود.

۷- بین انگیزه نیل به کسب موقعیت اجتماعی بهتر برای زنان شاغل در بخش صنایع‌دستی حوزه کشاورزی و فعالیت آنان در این حوزه در سطح استان رابطه وجود دارد. به این معنی که با افزایش انگیزه نیل به کسب موقعیت اجتماعی بیشتر فعالیت نیز بیشتر می‌شود.

۸- بین عوامل دینی و اعتقادی حاکم بر محیط و اشتغال زنان در بخش صنایع‌دستی حوزه کشاورزی در سطح استان رابطه وجود دارد. به این معنی که هر قدر پایبندی به باورهای دینی و اعتقادی بیشتر باشد، فعالیت نیز بیشتر می‌شود.

۹- بین عوامل سازمانی (ساختار اداری و آموزشی) حاکم بر محیط و اشتغال زنان در بخش صنایع‌دستی حوزه کشاورزی در سطح استان رابطه وجود دارد. به این معنی که هر چه جنبه‌های حمایتی ساختار اداری مرتبط با زنان بیشتر باشد، فعالیت نیز بیشتر می‌شود.

در این پژوهش باتوجه به ماهیت موضوع از روش پیمایش به‌عنوان یکی از اجزا روش تحقیق کمی استفاده می‌گردد. تکنیک‌های مورد استفاده در این تحقیق عبارت‌اند از: پرسش‌نامه محقق‌ساخته و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد و در بخش آمار توصیفی از محاسبات فراوانی، میانگین، و درصد و در بخش آمار استنباطی از روش همبستگی اسپیرمن استفاده شد. جامعه آماری در این تحقیق ۲۱۸۷۵ نفر می‌باشد (زنان شاغل در حوزه کشاورزی استان واقع در سنین بین ۱۵ الی ۶۵ سال) که با استفاده از فرمول کوکران تعداد نمونه ۳۷۰

نفر بود که این تعداد از بین ۳۰ روستای منتخب در بین ۶ شهرستان استان و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه ای انتخاب گردید.

نتیجه‌گیری

باتوجه به چارچوب نظری که براساس فرضیه‌ها و سؤال اساسی مقاله انتخاب شده بود، یک مدل کلی با سه متغیر مستقل و عناصر زیرمجموعه طراحی شد. بنابراین، براساس نتایج مستخرجه از خروجی نرم‌افزار SPSS و مقایسه نتایج به‌دست آمده با مقادیر مفروض در کتاب‌های روش تحقیق و آمار، فرضیه‌های نه‌گانه مورد آزمایش قرار گرفت. از آنجا که کلیه فرضیه‌های پژوهش اثبات شده است، بنابراین، مدل ساخته شده در این مقاله (شکل ۱) نیز تأیید می‌گردد. بنابراین، عوامل مؤثر بر اشتغال‌زایی زنان در بخش صنایع‌دستی حوزه کشاورزی استان آذربایجان غربی، به سه دسته عوامل فردی، عوامل فرهنگی و عوامل سازمانی تقسیم می‌گردد. در ادامه به‌صورت مختصر پیرامون این عوامل توضیح داده خواهد شد:

۱- عوامل فردی: یک دسته عوامل فردی (روان‌شناختی) است که به مشارکت اعضای خانواده در کارهای خانگی با گستره زیادی که دارد، تناسب کار با علاقه فرد و تأمین‌کننده نیازهای روان‌شناختی او و تناسب کار با ویژگی‌های فیزیکی، وضعیت تأهل، تحصیلات و مرحله زندگی خانوادگی و ...، مربوط می‌شود. همچنین، در تشریح عوامل فردی این مدل باید اذعان داشت، عوامل فردی می‌خواهد این نکات را بسنجد که: مشارکت اعضای خانواده در امور داخلی خانه یعنی کمک به خانم خانه در امور خانگی تأثیر مثبتی بر کار زن در بخش صنایع‌دستی در حوزه کشاورزی داشته است. بنابراین، یکی از عناصر عوامل فردی ضرورت تداوم اشتغال زنان مورد مطالعه، به این نحو است که اگر در امور خانه سایر افراد به زنان کمک کنند، این امر می‌تواند اثری مثبت بر روند کار او داشته و در نهایت او به این کار ادامه بدهد (در کنار سایر عوامل) که در این پژوهش طبق گفته پاسخگویان و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها انجام چنین امری ضروری است. همچنین، میزان تناسب علاقه زنان در کار صنایع‌دستی حوزه کشاورزی است. بر این اساس، پس از تجزیه‌وتحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از میدان تحقیق، بین کار زن و علاقه‌اش تناسب وجود دارد، زنان احساس اعتماد به نفس می‌کنند و ابراز وجود برای مشارکت در تصمیم‌گیری در آنان در ارتباط با کار افزایش می‌یابد؛ زیرا آن‌ها به خودباوری رسیده‌اند. به‌طور کلی در این بخش از مدل عامل (فردی) اثبات گردید که تناسب بین کار و علاقه زنان در امر صنایع‌دستی حوزه کشاورزی منجر به رفع نیازهای روان‌شناسی زنان مورد مطالعه می‌گردد.

همچنین در بُعد فردی بین وضعیت فیزیکی و بدنی زنان شاغل مورد مطالعه در امر کاری که بدان اشتغال دارند، طبق نتایج استخراج شده و تجزیه‌وتحلیل این داده‌ها، تناسب وجود دارد، زیرا زنان در آن صورت از کار بیگانه نشده و به تداوم آن علاقه نشان می‌دهند. از طرفی زنان شاغل در صورت تأهل یا مجرد بودن چه تفاوتی در کارایی‌شان ایجاد خواهد شد، یا این که داشتن فرزند موجب پایین آمدن راندمان کاری آن‌ها خواهد شد؟ و اگر تعداد فرزندان بیشتر باشد، تأثیر منفی تری خواهد داشت یا بی تأثیر است؟ که براساس نتایج بررسی و آزمایش فرضیات مجرد و تأهل زنان شاغل مورد مطالعه تأثیر منفی بر کارشان ندارد. این امر به را می‌توان این چنین توجیه کرد که در خانواده مدرن (مابعد سنتی) بخش اعظمی از کارکردهای خانواده به نهادهای رسمی واگذار گردیده است و زن و مرد در این راستا از زمان بیشتری برای کار بیرون از خانه برخوردارند. علاوه بر این، این مدل می‌خواست بیان نماید که لحاظ کردن

تحصیلات (بالا بودن تحصیلات) به دلیل استفاده از آموزش‌های ترویجی جدید که در بخش سازمانی بیان شد، برای تداوم اشتغال زنان در امر صنایع‌دستی حوزه کشاورزی در منطقه مورد مطالعه ضروری است یا خیر. نتایج آزمایش فرضیه‌ها نشان داد که بین سطح تحصیلات و بالارفتن کارایی زنان در این حوزه رابطه معناداری در سطح ۹۹ درصد وجود دارد. همچنین سنجش سن در این پژوهش نشان داد که با بالا رفتن سن زنان (در محدوده سنی این پژوهش) منجر به افزایش کارایی آنان می‌گردد و لطمه‌ای به کار آنان نخواهد زد. شاید این امر به دلیل تجربه زنان در امر کار صنایع‌دستی بوده و نیز آموزش‌هایی که در این راستا در طول دوران اشتغال خود در بخش یاد شده دیده‌اند، یا نتیجه فقر و پایین بودن سطح درآمد مردم روستایی باشد که مجبورند در سنین بالا هم کار کنند. در ارتباط با رابطه بین تعداد فرزندان با فعالیت زنان، نیز براساس نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق فرضیه مورد تأیید قرار گرفت. همچنین بین انگیزه نیل به کسب موقعیت اجتماعی بهتر برای زنان شاغل در بخش صنایع‌دستی حوزه کشاورزی و فعالیت آنان رابطه وجود دارد، زیرا این نتیجه‌ای است که از تجزیه و تحلیل داده‌ها به دست آمده است. درخصوص تعداد فرزندان نیز طبق آزمایش فرضیه مربوطه افزایش تعداد فرزندان موجب کاسته شدن کار زنان شاغل در امر صنایع‌دستی روستایی نگردیده است. در این قسمت به عوامل فردی تأثیر گذار بر اشتغالزایی زنان در بخش صنایع‌دستی حوزه کشاورزی در منطقه مورد مطالعه اشاره گردید.

۲- عوامل فرهنگی، اجتماعی: دسته دوم عوامل فرهنگی، اجتماعی است که در درون خود رفع نگرش‌های جنسیتی، سنتی و مردسالارانه در خانه و اجتماع را به همراه دارد.

الگوهای فرهنگی مرتبط با نقش‌ها و رفتار زنان در جوامع متفاوت است و به عوامل گوناگونی بستگی دارد. این الگوها که عمدتاً مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی هستند، دارای دوام و ماندگاری نسبی است و در لایه‌های گوناگون فرهنگ از جمله در آداب و رسوم و عرف اجتماعی و در ساختارهای خانوادگی، سیاسی، اقتصادی و حتی زبان‌شناختی جای می‌گیرند و در برابر تغییر مقاومت می‌کنند، بر همین اساس است که، تغییر نظام‌های ارزشی در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست.

اشتغال زنان در بیرون از خانه در جامعه مردسالار به راحتی پذیرفتنی نیست، زیرا مردسالاری جز عناصر فرهنگی است که در بطن جامعه رخنه کرده و تثبیت گردیده است. در این اینجا سعی بر این بوده است که این‌چنین عناصر و تأثیر آن در اشتغالزایی زنان در بخش صنایع‌دستی حوزه کشاورزی سنجیده شود؛ زیرا براساس رویکردهای جامعه‌شناختی رویکرد زنان به اشتغال خارج از خانه تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی قرار دارند. اگر اهداف یک جامعه متعالی و خواهان رشد توسعه فردی و اجتماعی در همه زمینه‌ها باشد، برای گام نهادن در مسیر توسعه پایدار، یعنی توسعه‌ای که کاملاً با نیازها و خواسته‌های واقعی مردم و با اهداف و آرمان‌های جامعه سازگار باشد، مشارکت همه آحاد جامعه اعم از زن و مرد ضروری است. براساس آزمودن فرضیه‌های مربوط به این عامل (مدل طراحی‌شده)، طبق فرضیه هشتم «بین عوامل دینی و اعتقادی حاکم بر محیط و اشتغال زنان در بخش صنایع‌دستی حوزه کشاورزی در سطح استان رابطه وجود دارد. به این معنی که هر قدر پایبندی به باورهای دینی و اعتقادی بیشتر باشد فعالیت نیز بیشتر می‌شود» و تأیید این فرضیه تأثیر عامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر اشتغال زنان در بخش صنایع‌دستی روستایی حوزه کشاورزی در استان آذربایجان غربی را نشان می‌دهد.

۳- عوامل سازمانی: عوامل سازمانی شامل مواردی نظیر: وضع قوانین و مقررات حمایتی در ارتباط با زنان در حوزه کشاورزی و انعطاف‌پذیری این قوانین، امکان ارتقادات تجربه‌های زنان در حوزه کشاورزی، ارتقای آموزش زنان

و تخصص زنان در این حوزه، رفع تبعیض‌های جنسیتی در ارتقای شغلی زنان در این حوزه و سایر حوزه‌های مرتبط، تطابق شغل‌ها با مهارت و توانایی‌های زنان در این حوزه می‌باشد. در بعد قانونی، از آن‌جا که در قانون اساسی به آزادی در انتخاب شغل اشاره گردیده است، آیا زنان مورد مطالعه معتقد به این هستند که قوانین و مقررات موجود، از آنان حمایت می‌کند یا خیر؟ همچنین میزان انعطاف قوانین مربوطه بررسی می‌گردد، که در صورت ضعف قوانین آیا برای اشتغال بهینه زنان در بخش صنایع‌دستی روستایی حوزه کشاورزی، تغییر این قوانین ضرورت دارد؟ از سوی دیگر بحث ارتقای زنان در امور مدیریت کشاورزی در این بخش از مدل (عامل سازمانی) مطرح شده است. می‌خواهیم ببینیم آثار عوامل فرهنگی در قوانین مربوط به این بخش تأثیرگذاری سنتی خود را هنوز دارد یا خیر؟ یا اینکه اگر تغییری رخ داده است، میزان آن چقدر است و اصلاح این قوانین و مقررات چه تأثیری بر روند اشتغال آنان دارد که نهایتاً پیامد این سلسله امور در جامعه به چه پیامدی ختم می‌گردد؟

یکی از موارد این بخش آموزش زنان است که به سواد آنان، آزادی عمل در اشتغال و خط‌مشی سیاسی حاکم بر توسعه برمی‌گردد. از آن‌جا که مدرنیته در ایران بیشتر به بخش مردان ارتباط داشته است؛ بدین معنی که نه تنها به زنان کمک شایانی نکرد، بلکه پیشرفت فن‌آوری‌ها بخش عمده‌ای از کار زنان را از آنان گرفته است. این بخش بررسی می‌کند که زنان چه میزان آموزش دیده و از دیدگاه آنان آموزش برای تداوم کار آنان و پیشرفت آن، چه میزان ضروری است؟ همچنین نیازمندی‌های آموزشی- ترویجی آنان در این بخش چه میزان و از چه نوع آموزش‌هایی بوده و پیامد آن چیست؟ بخش دیگری نیز می‌تواند تحت عنوان تبعیض‌های سازمانی در ارتباط با زنان مطرح باشد که به هنجارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه برمی‌گردد و هنوز می‌تواند در بخش‌های دیوان‌سالاری کشور به‌ویژه مناطق روستایی حاکم باشد. زنان شاغل مورد مطالعه در بخش مورد مطالعه از این تبعیض‌ها نمی‌توانند جدا باشند.

براساس داده‌های استخراج شده در این مقاله، این فرضیه تأیید شد. از این‌رو، هرچه جنبه‌های حمایتی ساختار اداری مرتبط با امر صنایع‌دستی روستایی در حوزه کشاورزی زنان در منطقه مورد مطالعه بیشتر باشد، فعالیت زنان در این حوزه نیز بیشتر می‌شود. عوامل سازمانی با عناصر زیرمجموعه‌اش که در مدل طراحی شده آمده است، به‌عنوان یکی از عوامل اشتغال‌زایی زنان در مصنوعات صنایع‌دستی روستایی در حوزه کشاورزی در استان آذربایجان غربی است. به‌طور کلی براساس نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از ۳۷۰ نمونه این پژوهش، متغیر مستقل عوامل مؤثر بر اشتغال‌زایی زنان در حوزه بخش صنایع‌دستی حوزه کشاورزی در این مدل سه عامل عمده (فردی، فرهنگی و سازمانی) است که در مجموع منجر به اشتغال‌زایی زنان در این بخش خواهند شد. نهایت اینک این تداوم اشتغال زنان می‌تواند دارای پیامدی چون توسعه پایدار کشاورزی در منطقه و در نهایت به توسعه پایدار روستایی کمک نماید.

فهرست منابع و مآخذ:

- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۷۵). فمینیسم و دیدگاه‌ها. تهران: انتشارات روشنگران.
- امانیان بیدختی، پروانه و صادقی‌نیا، سارا. (۱۳۹۴). «نقش تعاونی‌های روستایی در میزان درآمدزایی و افزایش سرمایه‌گذار در حوزه صنایع‌دستی». مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره ۳، ۱۱.

- امینی، علی‌رضا. (۱۳۸۳). «رویکرد جنسیتی و عدم تعادل کلی در بازار کار». پژوهش زنان، شماره ۴.
- بلالی، حمید و خلیلیان، صادق. (۱۳۸۲). «تأثیر سرمایه‌گذاری بر اشتغال‌زایی و تقاضای نیروی کار در بخش کشاورزی ایران». فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره ۴۱ و ۴۲.
- بوذرجمهری، خدیجه؛ شایان، حمید؛ و صادقی، فخری. (۱۳۸۹). «تبیین مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی (مطالعه موردی: دهستان‌های بناجوی شرقی و شمالی شهرستان بناب آذربایجان شرقی)». مطالعات جغرافیایی مناطق خشک. شماره ۱، ۸۶-۶۹.
- حیدری، علیقلی. (۱۳۷۷). «ضرورت و جایگاه مطالعات ویژه زنان روستایی در معاونت ترویج و مشارکت مردمی». مجله جهاد، شماره ۲۰، ۲۰۵.
- شایان، محسن؛ ذاکرنسب، عباس؛ برقی، حمید. (۱۳۹۶). «بررسی اثرات صنایع‌دستی زری بافی در اشتغال زنان نواحی روستایی، مطالعه موردی: دهستان حومه شهرستان میناب. اندیشه جغرافیایی، شماره ۱۷، ۱.
- شجری، شاهرخ و سلطانی، غلامرضا. (۱۳۷۹). «تخمین تابع تقاضای نیروی کار و کشش عرضه محصول گندم با استفاده از تابع سود در استان فارس». مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد و کشاورزی ایران. مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی. جلد دوم.
- طاعتی، آرام. (۱۳۷۸). «بررسی راهکارهای مشارکت مؤثر زنان در سطوح مدیریت برنامه ۵ ساله دوم کشور». مجموعه مقالات همایش نظام اداری و توسعه، تهران.
- فرجزاده، مهشید. (۱۳۸۹). نقش صنایع دستی در توانمندسازی زنان. مجله شادکامی و موفقیت، شماره ۷۶.
- کار، مهرانگیز. (۱۳۷۹). زنان در بازار کار ایران. تهران: انتشارات روشنگران و مرکز مطالعات زنان.
- کهزادی، بهروز و بلالی، حمید. (۱۳۸۱). «بررسی رابطه درازمدت اشتغال و موجودی سرمایه در بخش کشاورزی ایران». فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی مدرس. دانشگاه تربیت مدرس. شماره ۴، ۲۲.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی. (۱۳۷۴). «بررسی جامعه‌شناسی نقش زن در کشاورزی ایران». فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. ویژه نامه زنان در کشاورزی، ش ۱۲، ۳۳.
- مرکز آمار ایران. (سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن. مرکز آمار ایران.
- مهربانیان، الهه و مؤذنی، سعیده. (۱۳۸۶). «نقش زنان روستایی در بخش کشاورزی (مطالعه موردی آسیا)». مجله علمی، ترویجی جهاد ترویج، کشاورزی و توسعه روستایی، شماره ۲، ۲۳.
- میشل، آندره. (۱۳۵۴). جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نوروزی، لادن. (۱۳۸۳). «تفاوت‌های جنسیتی در ساختار شغلی». زن در توسعه و سیاست، دوره ۱. شماره ۸، ۱۳.

Anker, R. (۱۹۹۸). Gender and Jobs: Sex Segregation of Occupations in the World. Geneva, ILO.

Feingold, A. (1996) " Cognitive Gender Differences: Where Are They, And Why Are They There" , Learning and Individual Differences, Vol. 8.

Hill, Catherine. (2011). Enabling Rural Womens Economic Empowerment: Institutions, opportunities, and participation. Ghana, Vol, 1.

Krishna, p , et.al, (2014). Krishna, p , et.al, (2014). Woman Empowerment through Entrepreneurship in Service and farming Sector , Social Science, Vol 3, Issue, 1.

Ugbomeh, George M. M. 2001. Empowering women in agricultural education for sustainable rural development. *Community Development Journal*, Volume 36, Issue 4, 1, October 2001, Pages 289–302, in: <https://doi.org/10.1093/cdj/36.4>.